

در روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی، سهم دامداری کوچ‌رو برای رسیدن به توسعه پایدار و احیای مراتع بررسی شد

از متهمان بیابان‌زایی تا حافظان مرتع

۳

گردشگری ریلی در ایران با وجود استقبال مسافران و ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی هنوز با چالش‌های زیرساختی و سرمایه‌گذاری دست‌وپنجه نرم می‌کند

سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۲۸ | چهارشنبه ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان

www.payama.ir



گردشگری ریلی روی ریل بازگشت

علی‌مسائلی که سال‌ها در حوزه گردشگری ریلی فعالیت کرده می‌گوید بسیاری از تورهای ریلی با استقبال خوبی روبه‌رو می‌شوند و مسافران دائماً درباره برنامه‌های آینده سؤال می‌کنند. مشکل از جایی آغاز می‌شود که برگزارکنندگان تور نمی‌دانند آیا ماه آینده نیز امکان دسترسی به ظرفیت لازم را خواهند داشت یا نه.

مصطفی فاطمی، مدیرکل توسعه گردشگری داخلی، معتقد است در دوره جنگ شبکه ریلی کشور ناچار بود اولویت‌های خود را تغییر دهد. به گفته او، تأمین امنیت خطوط و پاسخگویی به نیازهای فوری کشور باعث شد قطارهای گردشگری برای مدتی از اولویت خارج شوند.

«پیام ما» از آخرین وضعیت عرضه دارو در فضای مجازی گزارش می‌دهد

جدال دولت با دولت

عرضه می‌شوند. اگرچه قرار بود داروخانه‌ها از طریق سکوی اینترنتی دارو را به بیمار برسانند، اما این اتفاق قرار بود با مجوز سازمان غذا و دارو امکان‌پذیر شود؛ امری که هنوز محقق نشده است.

نشت داروهای خاص به فضای مجازی

در حالی که کمیوهای دارویی در روزها و ماه‌های اخیر به

عرضه دارو در فضای مجازی یا آنچه به آن فروش اینترنتی دارو گفته می‌شود، در حال تبدیل شدن به یکی از آسیب‌های بازار دارویی کشور و نظام سلامت است. از یک‌سو وزارت بهداشت این اقدام را غیرقانونی می‌داند و از سوی دیگر برخی داروها در حالی که در داروخانه‌ها و بازار رسمی به‌سختی پیدا می‌شوند، در فضای مجازی

اوج خود رسیده، حضور این داروها در سایت‌های اینترنتی و قیمت‌های بسیار بالا پرسش برانگیز است. «رسول نظری فرد»، مؤسس داروخانه بیماران خاص در تهران، در این رابطه گفت: «متأسفانه در شرایط این‌چنینی، فعالیت پلتفرم‌ها، نظارت وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو بر بازار دارو را کم‌رنگ

کرده و به همین دلیل هم داروهایی بعضاً فاقد اصالت و غیرمجاز از سقط جنین و مخدر گرفته تا داروهای خاص و شیمی‌درمانی و غیره، با قیمت‌های چندین برابری توسط برخی پلتفرم‌ها و سکویهای اینترنتی به فروش می‌رسد.»

منطقه آزاد رانت یا راهکار

وعده تازه برای نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی پایتخت

۶

شهرنفتی ایران در سوگ کتابفروشی‌ها

در سایه جنگ و تنگنای اقتصادی دو کتابفروشی مستقل بندرعباس تعطیل شدند

۸

پلمب معدن «چوزچال» گلستان به دلیل نقص ایمنی

با گذشت ۹ سال از فاجعه معدن زمستان‌یورت در استان گلستان، معادن زغال‌سنگ این استان همچنان نایمن هستند

۵

یادداشت

به بهانه روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی و خشکسالی

روزی که دیگر نیست!



امجد درویش | کارشناس محیط زیست

۱

شدت ناترازی... بخوان بیابان‌زایی کاست. می‌توان اشکال منحصر‌فرد و اهورایی بیابانی از جمله دوزنقه‌ها، بارخوان‌ها، ناھمواری‌های عینکی و فرزندان زریار و درخشان ریگ پلان را در مکتب گردشگری پایدار فروخت و چون یک صندوق ارزی پایدار گرانی داشت و حرمت نهاد و...
۶- می‌بینید دنیا در این ۳۲ سال خیلی تغییر کرده و شتاب این تغییر به مدد هوش مصنوعی، بی‌شک افزایش هم خواهد یافت؛ آن‌گونه که هفدهم ژوئن ۲۰۲۶ یا ۲۷ خرداد ۱۴۰۵ حالا کمترین نسبت را با همتاش در ۱۹۹۴ دارد!
کلام آخر آنکه هیچ چیز در این دنیا بدتر و خطرناک‌تر از قطعیت نیست؛ خطر بیابان‌زایی هم می‌تواند در جایی یک فرصت باشد، به‌ویژه اگر بدانیم اگر بیابان‌های آفریقا نبودند، جنگل‌های آمازون شکل نمی‌گرفتند و اگر ایران در قلب سرزمین‌های بیابانی شکل نمی‌گرفت، شاید دنیا از یکی از دریندترین تمدن‌های آینده جهان با بیش از پنج‌هزار سال دوام ممتد، محروم می‌شد.

۲

یادداشت

به بهانه روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی و خشکسالی

روزی که دیگر نیست!

نیمه‌مربوط خشک را بیابان‌زایی می‌گویند. یعنی اگر کشوری در آمازون باشد یا در صحرای عربستان، با مفهومی به نام بیابان‌زایی نمی‌تواند درگیر باشد! در حالی که امروزه مشخص شده، بیابان‌زایی از رگ‌گردن به‌مانند یک تر است؛ چه ساکن پورکینا فاسو باشی یا سبیری و یا صحرای کالاهاری؛ بیابان‌زایی می‌تواند در ایران رخ دهد حتی بدون آنکه یک هکتار به وسعت رسمی بیابان‌هایش افزوده شود؛ وقتی می‌شوی شمار آت‌هایی که ایران را ترک کرده‌اند از مرز هشت میلیون نفر هم گذشته است؛ آیا ترک نخیه‌ها به معنی افت کارایی سرزمین نیست؟
۴- حتی تا چند سال پیش نگارنده مدام هشدار می‌داد؛ یادمان باشد که وقتی از بیابان‌زایی سخن می‌گویم، فقط منظوران گسترش خوشبختی معطوف احداث کرد و با تولید انرژی پاک از

یادداشت

به بهانه روز جهانی مقابله با بیابان‌زایی و خشکسالی

روزی که دیگر نیست!

۱- از زمانی که نخبگان جهان در هفدهم ژوئن ۱۹۹۴ میلادی توانستند این روز را در تقویم سازمان ملل وارد کنند، ۳۲ سال می‌گذرد؛ آن روزها یک محقق جوان در بخش تحقیقات بیابان بودم و پیوسته از اینکه چرا نگاه غالب جامعه به بیابان‌ها از جنس دشنام‌پست‌آفرینش است، حرص می‌خوردم!
۲- حتی در تعریف بیابان‌زایی آمده است: فرآیند تخریب سرزمین در مناطق خشک، نیمه‌خشک و

یادداشت

از رستاخیز تا یارانه نقدی

سپس منحل و در یک حزب به نام «رستاخیز» ادغام شدند. یازدهم اسفند ۱۳۵۳ شاه ایران در کنفرانس مطبوعاتی گفت: «همه مردم باید عضو این حزب شوند» در غیر این صورت باید از کشور بروند یا روانه زندان شوند.
هم احمدی‌نژاد با نهضت ملی مسکن و یارانه و هم محمدرضا شاه، به مردم‌انگیزی و ایجاد جریان پوپولیستی مبادرت ورزیدند. وجود ایده‌های افراطی مذهبی در نگرش احمدی‌نژاد آن زمان، مثل هاله نور، یا شعار «کورش آسوده بخواب که ما بیداریم» محمدرضا شاه، این جریان پوپولیستی و مردم‌انگیزی را به سمت شکل‌گیری جریان‌های افراطی سوق دادند که عوارضی خطرناک داشت. اما اکنون بسیار مهم است که بدانیم این «مردم» چه کسانی هستند؟ تنوع عقیدتی را در بین خود مردم می‌آیزند یا سرکوب می‌کنند؟ یا اصلاً کدام پروژه سیاسی «مردمی» است؟ «فهم مردم» از تحولات سیاسی پیرامون مهم است یا «درک نخبگان» از قضایا مهم‌تر است؟
وقتی طبقات اجتماعی همه در هم ادغام شده و جای خود مردم می‌دهند، تنها چیزی که قوت می‌گیرد، شکل‌گیری مقاومت در برابر گروه کوچک نخبگان است. انگار نخبگان خواسته‌های مشروع مردم را ناکام و خنثی کرده و در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرند. سخنان آقای احمدی‌نژاد در صدر نوشته فوق‌نشان می‌دهد که او خود را نماینده مردم دانسته و با نثار خشم خود علیه نخبگان، می‌کوشد موتور یک جریان پوپولیستی را روشن کند. به همین دلیل، برخی از جامعه‌شناسان پوپولیسم را در قالب «رابطه متضاد بین مردم و نخبگان» تعریف می‌کنند. اما آن‌ها خوب می‌دانند که واژه مردم، در برهه‌های گوناگون و رویدادهای خاص زمانی، منعکس‌کننده راهبردهای سیاسی متفاوت است. اینکه مردم را بدون قدرت تعبیری‌پذیری و مدام به بدنام و ادعاهای

۳

از رستاخیز تا یارانه نقدی

یکسانی ارجاعشان دهیم، ساده‌لوحانه به نظر می‌رسد، چرا که «ساخت مردم» پس از گذراندن وقایع سیاسی و انباشت تجربیات تاریخی، تا اندازه قابل ملاحظه‌ای تغییر می‌کند. به عنوان مثال، مردم در عصر پهلوی با مردم سال ۵۷ متفاوتند. با مردم دهه شصت با مردم دوم خرداد ۷۶ یکسان نبودند. لزوماً قواعد مردم‌انگیزی دوران ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نیز با قواعد مردم‌انگیزی جنگ دوازده‌روزه متفاوت بود. حتی تعریف مردم در جنگ دوازده‌روزه با جنگ اخیر یکسان نیست. در جنگ دوازده‌روزه، مردم هنوز داغدار اتفاقات دی‌ماه سال قبل نبودند و در جنگ اخیر مردم هم سوگوار وقایع دی‌ماه بودند و هم سوگوار مدرسه میاب و ورزشگاه لامرد و...
امروزه در سیاست‌ورزی مدرن، نه تنها متنازه بین پوپولیسم راست و چپ رنگ باخته است، بلکه «پوپولیسم» در آن مسامحه‌ای است برای تعریف و گسترش «مفهوم مردم»؛ اینکه مردم چه کسانی هستند و چه چیزی را می‌توانند با هم به دست بیاورند. چگونه می‌توان از انرژی این نیروی بزرگ برای ستاندن حقوق تاریخی که به دست قدرت‌های استعماری نادیده گرفته شده، استفاده کرد؟
«پوپولیسم» در ذات خود مذموم نیست، ولی هنر حکمران در برانگیختن این نیرو باید قانونگذاران را موظف سازد که در زمان‌های معینی به خواسته‌های قانونی مردم که به شکل تقاضاهای عمومی درآمده، ترتیب اثر دهند. تصویب قوانین جدید و اجرایی کردن آن‌هاست که منجر به بازماندن حقیقت جمع می‌شود. بیان قانونی مطالبات مردمی، هر از گاهی مردم‌انگیزی مثبت و پوپولیسمی را شکل می‌دهد که در آن اجتماع بین مردم و نخبگان تقسیم شده و به جای رویه‌رو کردن آن‌ها با هم، درک متقابلشان از هم را افزایش می‌دهد و به نخبگان، به‌عنوان سرمایه‌های راهگشا و آگاهی‌بخش مردمی، ارزش می‌بخشد.

یادداشت

از رستاخیز تا یارانه نقدی

«این‌ها که قیافه روشنفکری می‌گیرند، به اندازه بزغاله هم از دنیا فهم و شعور ندارند. چرا مردم باید در آپارتمان زندگی کنند؟ به هر ایرانی یک قطعه زمین می‌دهیم تا در آن ویلا بسازد. ما همین الان فردی را داریم که وقتی به زمین نگاه کند، تمام معادن زیر آن را به‌طور تضمینی به شما معرفی می‌کند.»
جملاتی که خوانندگی، از زبان یکی از شخصیت‌های طراز اول دولتی بیان شده است؛ آقای احمدی‌نژاد که خود را تنها نماینده مبارزه مردم علیه فساد و ثروت‌اندوزی برآمده از دولت سازندگی و دولت اصلاحات قلمداد می‌کرد. به عبارتی، او خود را شاخصه صادق گفتمان انقلاب اسلامی می‌دانست. خواسته‌های انقلابیونی که در سال ۵۷ علیه شاه به خیابان‌ها آمده بودند، ریشه در شعارهایی داشت که برآمده از مشروطیت بود. قرار بود با دولت سردار سپه، مجدداً این خواسته‌ها اجابت شوند و او در یک جمهوری نوین، نگاهبان مشروطه باشد. اما نخبگان آن زمان، تاریخ باستان‌گرایانه‌ای را برای ایران شکل دادند و مؤسس سلسله پهلوی، شاهنشاهی خود را ادامه حکومت شاهان هخامنشی، چون کوروش کبیر، دانست.
بعدها در عصر پهلوی دوم، احزاب معدودی هم تأسیس شدند؛ مانند حزب مردم که توسط اسدالله علم در همین راستا شکل گرفت تا مثلاً هم‌اورد حزب ایران نوین حسنعلی منصور سیاست به‌فراوان و چشم‌فران را ادامه دهد. هر دو این احزاب

یادداشت

به بهانه سفر وزیر میراث فرهنگی به نصف جهان

سیاست‌گذاری گردشگری در دوراهی شعار و برنامه

ساختمانی نیست؛ یک فرآیند پیچیده اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی است. از این منظر، افتتاح یک هتل پنج‌ستاره در اصفهان را می‌توان گامی مثبت در مسیر تقویت زیرساخت‌های گردشگری دانست، اما تبدیل آن به نشانه‌ای از تحول‌گسترده در صنعت گردشگری، نیازمند نگاه جامع‌تر و برنامه‌ریزی دقیق‌تر است. بسیاری از شهرهای گردشگری جهان نشان داده‌اند که صرف افزایش ظرفیت اقامتی، بدون طراحی یک مدل جامع مدیریت مقصد، نهایتاً به توسعه پایدار گردشگری منجر نمی‌شود، بلکه در برخی موارد می‌تواند به فرسایش منابع فرهنگی و تاریخی نیز بینجامد. نکته مهم دیگر در سخنان وزیر تأکید بر ورود به دوروی خارجی به «پساجنگ» و شکل‌گیری موج جدید گردشگران خارجی به ایران است. در ادبیات گردشگری، مفهوم «دوره پساجنگ» معمولاً به بازسازی تصویر مقصد در ذهن گردشگران جهانی اشاره دارد؛ فرآیندی که به‌طور طبیعی زمان‌بر پیچیده و وابسته به عوامل متعددی از جمله دیپلماسی عمومی، تصویر رسانه‌ای کشور و ثبات اقتصادی است. بنابراین اگرچه امید به افزایش گردشگران خارجی قابل درک است، اما تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که بازگشت گردشگری بین‌المللی پس از بحران‌ها، بیش از آنکه نتیجه یک اعلام سیاسی باشد، حاصل برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه بازاریابی مقصد و مدیریت تصویر جهانی است. در همین چارچوب، سخنان وزیر درباره «هدایت موج جدید گردشگران جهان به سمت ایران و اصفهان»، بیش از آنکه یک واقعیت بالفعل باشد، بیشتر به یک هدف سیاستی شباهت دارد. تحقق چنین هدفی مستلزم مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در سطح ملی است؛ از تسهیل نظام ویزا و بهبود ارتباطات هوایی گرفته تا توسعه برند ملی گردشگری و حضور فعال در بازارهای بین‌المللی. بدون چنین زیرساخت‌هایی، حتی اگر جذابیت‌های فرهنگی و تاریخی ایران در سطح جهانی بی‌رقیب باشد، تبدیل آن به جریان پایدار گردشگری کار آسانی نخواهد بود. در کنار گردشگری، بخش دیگری از سخنان وزیر به حوزه صنایع‌دستی اختصاص داشت؛ حوزه‌ای که در بسیاری از کشورها به‌عنوان یکی از ستون‌های اقتصاد خلاق شناخته می‌شود. تأکید بر صادرات صنایع‌دستی و اتصال آن به شبکه توزیع جهانی، از جمله نکاتی بود که در این سفر مورد توجه قرار گرفت. بی‌تردید اصفهان، ظرفیت‌های عظیمی در این زمینه دارد؛ از صنایع‌دستی ایران، ظرفیت‌های عظیمی در این زمینه دارد؛ از میناکاری و خاتم‌کاری گرفته تا قلم‌زنی و فرش‌بافی که هر یک بخشی از هویت فرهنگی این شهر را شکل داده‌اند. با این حال، مسئله صنایع‌دستی در ایران صرفاً به بازاریابی خارجی محدود نمی‌شود. هنرمندان این حوزه سال‌هاست با چالش‌هایی چون افزایش قیمت مواد اولیه، ضعف شبکه توزیع داخلی، نبود برندهای معتبر صادراتی و محدودیت‌های دسترسی به بازارهای جهانی مواجه‌اند. اگرچه توسعه صادرات می‌تواند بخشی از این مشکلات را کاهش دهد، اما پیش از آن لازم است ساختار تولید و توزیع صنایع‌دستی در داخل کشور سامان یابد.

سفر دو روز گذشته سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به اصفهان، اگرچه در ظاهر یک سفر اداری و برنامه‌ای در تقویم فعالیت‌های وزارتخانه به نظر می‌رسد، اما در واقع حامل مجموعه‌ای از پیام‌ها و رویکردهای راهبردی درباره آینده گردشگری و صنایع‌دستی ایران بود. شهری که قرن‌ها نماد هویت فرهنگی، معماری و هنر ایرانی بوده است، بار دیگر به‌عنوان یکی از کانون‌های اصلی سیاست‌گذاری گردشگری کشور مورد توجه قرار گرفت؛ توجهی که البته با مجموعه‌ای از پرسش‌ها، چالش‌ها و ضرورت‌های جدی نیز همراه است.

در این سفر وزیر میراث فرهنگی با افتتاح یک هتل پنج‌ستاره، حضور در آیین پاسداشت هفته صنایع‌دستی و انجام گفت‌وگوهای رسانه‌ای، مجموعه‌ای از مواضع و دیدگاه‌ها درباره آینده گردشگری اصفهان و جایگاه صنایع‌دستی در اقتصاد فرهنگی کشور مطرح کرد. محور اصلی سخنان او را می‌توان در سه گزاره کلیدی خلاصه کرد: ضرورت توسعه زیرساخت‌های گردشگری، نقش راهبردی صادرات صنایع‌دستی در اقتصاد فرهنگی و آمادگی برای ورود به دوروی تازه از گردشگری در فضای پساجنگ. هرچند این گزاره‌ها در سطح نظری قابل توجه و حتی امیدوارکننده‌اند، اما وقتی در بستر واقعیت موجود گردشگری کشور و وضعیت خاص اصفهان قرار می‌گیرند، پرسش‌های مهمی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهند. نخستین نکته قابل تأمل در سخنان وزیر، تأکید بر لزوم افزایش ظرفیت اقامتی اصفهان برای پذیرش «چند میلیون گردشگر» است. واقعیت این است که اصفهان، به‌رغم برخورداری از ظرفیت‌های تاریخی و فرهنگی کم‌ظنیر، در حوزه زیرساخت‌های اقامتی با محدودیت‌هایی جدی مواجه است. آمار ارائه‌شده در این سفر نشان می‌دهد که از میان ۹۹ هتل فعال در استان، تنها پنج هتل پنج‌ستاره وجود دارد و مجموع ظرفیت اقامتی هتل‌های شهر حدود ۷۸۰۰ تخت است. این ارقام، در مقایسه با شهرهای گردشگری‌پذیر منطقه یا حتی برخی مقاصد داخلی، فاصله قابل توجهی با استانداردهای لازم برای میزبانی از گردشگران بین‌المللی دارد. با این حال، مسئله زیرساخت‌های گردشگری در اصفهان صرفاً به کمیو هتل‌های لوکس محدود نمی‌شود. تجربه جهانی گردشگری نشان می‌دهد که توسعه اقامتگاه‌ها تنها یکی از حلقه‌های زنجیره گردشگری است. اگر قرار باشد شهری به مقصد چند میلیون گردشگر در سال تبدیل شود، باید شبکه‌ای گسترده از زیرساخت‌های حمل‌ونقل، مدیریت شهری، خدمات گردشگری، راهنمایان حرفه‌ای، سیستم‌های هوشمند اطلاع‌رسانی و همچنین زیرساخت‌های فرهنگی و تفریحی در کنار آن شکل بگیرد. در واقع، توسعه گردشگری یک پروژه



اکروش دیباج | روزنامه‌نگار

